

از وی پرسیدند که سبب این چه بود گفت شیخ عبدالقادر از مراد در بعد از آنکه توبه
هنده علی بن ابی طالب را که بعد از آن بعضی از اصحاب شیخ عبدالقادر از بغداد آمدند
و خبر دادند که شیخ عبدالقادر در دهستان و نسا آنکه توفیق رضی الله تعالی عنه سینه
و خستمانه ابو العباس بن ابی العباس النخعی را که نام وی را چندین بار
عالم بوده معلوم و عارف و موجه و راهت و مشایخ بود در جمیع روایات سر بیان و بیان
پیش وی بسیار جمع شده بود شاه وقت با از وی حرفی در دل آمد و بر او طلب داشت
در راه فوت شد بعضی گفته اند پیش از رسیدن به پادشاه و بعضی گفته اند بعد
از رسیدن و کان ذلك سنه ست و ثلثین و خستمانه صاحب قوتی از شیخ خود
عبدالله الغزالی نقل کرده است که وی گفته که روزی از پیش شیخ خود این عربی بیرون
آمد و در صحیفه سیری کرده بهر رخت و کپیه که می رسید می گفت که مرا بگریز
فزان علت دفع می رسانم و فلان ضرر دفع می کند و مرا از آن حال جبری روی می رود پیش
شیخ خود بارگشتم و قصه را با وی گفتم شیخ فرمود که ما نه از برای این تریب تو کرده
بودیم ای کسان منک الضار و النافع حین قالت لك الاشجار انها نافع صا و نافع
یا سیدی التوبه شیخ گفت خدای تعالی از آزمایش و امتحان کرده است اگر من ترا بکار
تعالی رهبر کرده نه بغیر و علامت صدف توبه آنست که با آن موضع باز گردی و آن
درختان و گیاهان با توبه یعنی تکیه یا بوعبدالله بان موضع بارگشتم از ایشان
هیچ نشید خداوند سبحان شکر بجا می آورد بسوی شیخ بارگشتم و آنرا با وی بگشتم

این کلام را که است یعنی در وقت از آن پیش از آنکه
و نام شیخ است که چون سماع است در وقت
که صاحب از شیخ خود پرسید که در وقت از
فان با او بود و شان مشغول می گشتند و
از اشیای بدین خارق عادت می
که در وقت از آن پیش از آنکه
و نام شیخ است که چون سماع است در وقت
که صاحب از شیخ خود پرسید که در وقت از
فان با او بود و شان مشغول می گشتند و
از اشیای بدین خارق عادت می

شیخ گفت ای خداوند که اختیار کرد نفسش و توبه بعد از آنکه توبه از او
اکتفی علیما لقی رحمه الله تعالی و کان سر بیان ابو العباس بن العریف
است روزی با اصحاب خود گفت آرزوی المشال و مرتزدا شدند و هر یکی را ده دینار باشد
یکی از ایشان یکصد دینار صدقه کند و نه دیگر که طریقه دیگری نه دینار صدقه کند
گاه دانه گناه از ایشان فاضلتر است گفتند آنکه نه دینار صدقه کند از آن سبب که
پیشتر صدقه کرده است شیخ گفت آنچه گفتند خوب است اما در جمیع مسأله را باید
و نیز شما بپوشید یا ند گفتند آن که دست گفت آنکه ما هر دو بار در مال بپوشیم
آنکه پیشتر وارد در آمدن وی در مقام فقیر پیش از آن که دست که کمتر دارد پس
وی بفرز یاد ت باشد پس وی افضل باشد و حدیث نبوی ولید است آن معنی که
مفاد دهر با رکبه لا اله الا الله صلی الله علیه و آله و سلم که اولین وی
گویند آنرا و او است شیخ ابو العریف ما لقی گفته است که من این ذکر و هفتاد هزار بار
لا اله الا الله گفته بودم ولیکن کتبه و کسوم عین بساخته بودم تا روزی که برآمده
طعام خاصه بندهم با جماعتی و با ایشان بود که صاحب کشف بود و آن وقت که آنکه
دست بضعام مرده ناکاه بر گشتم گفتند شکر گشتم گفت اینک در روز و خمش
یکصد و ماد خود را در عذبات می بپوشم شیخ ابو العریف گفت در باطن خود گفتند خداوند
تو می بیند که هفتاد هزار بار و کلامه لا اله الا الله گفته ام آنرا بگشتم آن را می مادر
آنکه در دفع معاصی ساختم گفت من چون این را در باطن خود نماز کرده ام آنکه

سبع داره که کسر با توبه و سخن
و عین همه
حاصل آنکه نصیحت نه اعتبار از آنست
بلکه باعتبار اولان است که توبه یک شدت است